

میدون و سوفیا

من و کریمی قدوسی؟ واقعا؟



پوریا عالمی

- می‌دانی سوفیا؟
- دیروز اسامی امضاکنندگان طرح استیضاح روحانی در مجلس منتشر شد.

امضاکنندگان اینها هستند: مجتبی ذوالنوری، محمد دهقان، حسین‌علی حاج‌دلیگانی، هدایت‌الله خادمی، حسین نوروزی، ضیاءالله اعزازی، علی‌اکبر کریمی، جبار کوچکی‌نژاد، محمدجواد کریمی‌قدوسی، محمدعلی پورمختار، هاجر چنارانی، ذبیح نیکفر و محمدرضا ملک‌شاهی‌راد.

ببین سوفیا!

می‌دانم تو از دست من شاکي هستی! راستش برای اولین‌بار است که من یک حرفی زده‌ام که فرداش کریمی‌قدوسی و ذوالنوری و باقی دانشمندان همان حرف را زده‌اند!

عشقم...

فقط خواستم بگویم من و امثال من بارها گفتیم که ما از دست دولت و قهرست امید شاکي هستیم و روحانی باید جواب پس بدهد، اما به این نان فانتزی، از این زاویه که ما نگاه می‌کنیم برای بزم که صدواسیما آن را پخش کند! و این آسمان فرق دارد!

سوفیا...

استرس نکیر! من بدم نمی‌آید روحانی پاسخ‌گو باشد و مسئولیت‌کارش را بپذیرد و حتی استعفا کند، اما به جان میدون دوم، امکان ندارد من حرفی بزم که صدواسیما آن را پخش کند! و این فرق اساسی ماست.

عاشق معترض تو؛ میدون دوم

دور دنیا

گوشت در برابر بنزین



● پلیس آمریکا دربه‌در به‌دنبال فرد احتمالا مجرمی می‌گردد که با توجه به کمبود گوشت و محدودیت فروش نفت کشورمان ممکن است با واردات و گشایشی در کارمان حاصل شود؛ به گزارش یواس‌ای‌تودی مردی ناشناس که به «مرد گوشتی» شهرت یافته است، این هفته در ایالت‌های دلاویر و نیوجرسی بعد از آنکه در چند پمپ بنزین باک بنزین خودرویش را پر کرده، با گفتن اینکه پول ندارد، قطعات گوشت بسته‌بندی‌شده بیکن و سوسیس و کالباس را در عوض قیمت بنزین به صاحب پمپ پرداخته و به محض آنکه احساس کرده است به او مشکوک شده‌اند، متواری شده است.
عدای او صاحبان پمپ بنزین رفتار مشکوک این فرد را به پلیس گزارش داده‌اند و بعضی هم شکایت کرده‌اند که اصلا اهل گوشت‌خوردن نیستند، مثلا جفری براناک از پمپ بنزین برگراره کرکود گفته از اینکه مرد ناشناس در ازای ۲۰ دلار بنزین، چند قطعه گوشت به او داده، ناراضی است چون «من واقعا به گوشت نیازی ندارم، مخصوصا اگر آن را از یک غریبه در پمپ بنزین بگیرم»؛ عکس‌های این مرد که دوربین‌های مراقبتی پمپ‌های بنزین گرفته‌اند و تصاویری از فرآورده‌های گوشتی عرضه‌شده توسط او در رسانه‌های آمریکایی پخش شده تا او به‌عنوان شخصی که پدیده «گوشت در برابر بنزین» را به عنوان بدیل «نفت در برابر غذا» بر سر زبان‌ها انداخته است، هرچه‌سریع‌تر به دست عدالت سپرده شود!

شترخوار

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۷ | ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ | ۱۹ فوریه ۲۰۱۹ | سال شانزدهم - شماره ۳۲۷۰ | ۱۶ صفحه | اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ | اذان مغرب ۱۸:۰۸ | اذان صبح فردا ۵:۲۲ | طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنامه‌فردا



کارتون خواب

نیکولا لوا هندریکس



آکادمی

تعویض پانسمان، تخریقات و مابقی قضایا



محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

در دنیای امروز خدمات پزشکی به شکل تیمی ارائه می‌شوند. فلسفه این کار هیچ‌گونه ارتباطی به شأن و منزلت اعضای گروه و پزشکان ندارد و تنها علت آن تقسیم‌کار و ارائه بهتر و تخصصی‌تر خدمات درمانی است. تردیدی نیست که پزشک سرتیم این گروه است و وظیفه آموزش و نظارت بر انجام صحیح و علمی کار بر عهده اوست ولی برای رعایت نظم و ترتیب و دیسیپلین‌های این خدمات فوق‌العاده حساس و پیچیده، لازم است همه از قوانین و راهنماهای تعریف‌شده تبعیت کنند، حتی خود پزشک. بدیهی است که در شرایط بحرانی و ویژه، هیچ‌کدام از اعضای گروه از ارائه مهارت‌های عمومی به بیماران دریغ نمی‌کنند. کسانی که حضور در صحنه‌های دشوار رسیدگی به بیماران در خطر را تجربه کرده‌اند، می‌دانند که در آن شرایط، تیم پزشکی چنان درگیر وظایف اصلی خود که همانا نجات جان بیماران است،

پرنده آبی

انتقام ۴۷میلیونی پراید

اتفاقی که باعث بهت و حیرت کاربران در شبکه‌های اجتماعی شده، سر به فلک کشیدن قیمت پراید است اما به نظریک کاربر «دقت کردید دیگه برای قیمت #پراید و #ازز و #دلار و #گوشت اینها چوکنم مثل سابق نمی‌سازند! یک حالت سرشدگی ...» ماجرا این است که بسیاری تعجب کرده‌اند که چرا قیمت پراید مدام در حال بالا رفتن است، پراید ۴۵ میلیون تومان و به نقل خبرگزاری تسنیم پراید ۱۱۱، از مرز ۴۷ میلیون گذشته و پژو ۲۰۷ قیمتش به ۱۰۳ میلیون رسیده است. از نظر برخی کاربران «پراید خیلی راحت و سریع رکورد ۶۰ میلیون تومان رو می‌زنه و کاملا آمادگی جسمانی رسیدن به رکورد ۸۰ میلیون رو هم داره» و دیگری نوشت: «این دولت هر کاری نکرد، ولی مسردن را عزتمندتر کرده؛ با #پراید ۴۵میلیونی، سرک را تجربه کنید». اینکه پراید دارد مستقل از دلار عمل می‌کند، نیز باعث طنز برخی کاربران شده است؛ زمانی که دلار ۱۸ هزار تومان بوده، پراید ۳۰ میلیون بود و اکنون با دلار ۱۲تومانی، پراید ۴۵ میلیون را رد کرده است، خودش جای ایراد به سیستم اقتصادی را دارد. به قول کاربری دیگر «این‌قدر راجع به #پراید بد گفتیم داره از ما انتقام می‌گیره» البته بسیاری هم این سؤال را مطرح کردند که چه کسانی این خودروها را می‌خرند و اصلا چرا می‌خرند چراکه «بزرگ‌ترین اعتراض به گرانی در همه دنیا خریدن کالایی است که گران می‌شود حالا هرچی #پراید را گران‌ترش کنند، همه مشتری‌اش می‌شوند و در صفش می‌ایستند، چرا با مافیای خودروسازی مقابله نمی‌کنیم به جای اینکه قدرتمندترش کنیم؟»، برخی هم در نهایت این‌طور نتیجه‌گیری کردند: «اگه با این فرمون پیش ببریم، فکر کنم سال دیگه همین موقع داریم می‌گیم: کی فکرشو می‌کرد #پراید ۴۵میلیونی بشه ۱۸۰میلیون». اما واقعیت این است که در همین وضعیت «ضغی از ملت خوشحالن پرایدشون گرون شده».

آذر منصوری



جان عاشق «پوران شریعت‌رضوی» مخاطب آشنا و هم‌سفر دکتر علی شریعتی در صیورتی بی‌بدیل و تاریخ‌ساز، آرام گرفت. ۲۸ بهمن ۹۷ پوران شریعت‌رضوی همسر دکتر شریعتی و خواهر شهیدان شریعت‌رضوی در کنار آنها در آرامگاه امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد. راهی که پیش‌روی همه ماست و آنچه می‌ماند نغمه‌هایی است که را ز ماندگاری‌اش خوش‌بودن آن است. قرار بود تشییع‌کنندگان پوران شریعت‌رضوی در محوطه حسینیّه ارشاد، همان‌جا که با نام دکتر شریعتی و سخنرانی‌های سرشار از شور و شعور او عجین شده است و اگر امروز جایگاه و هویتی دارد

قصه‌های شهر

خراش بر چشم دیگران



گیتی صف‌زاده

در دوران جوانی دوستی داشتم که هر وقت خودروی خانواده دچار مختصر ضربه یا خراش یا فرورفتگی می‌شد، پدرش بلافاصله ماشین را به تعمیرگاه می‌برد و شکل و شمایلش را صاف می‌کرد. اوایل فکر می‌کردم پدرش از آن دسته عشاق ماشین است و علاقه بیمارگونه‌ای به چهارچرخش دارد، اما یک بار که دلیل این کار را از دوستم پرسیدم، گفت پدرم عقیده دارد نباید وسایلی که در شهر استفاده می‌کنیم، نامرتب یا زشت باشد که باعث آزار چشم مردم شود.
چندین سال قبل دخترم را به مهدکودکی می‌بردم که دیوارش برخلاف سایر مهدکودک‌های شهر، ساده، تکرنگ و منظم بود. صاحب مهدکودک مقابل اعتراض والدین که می‌گفتند چرا در و دیوار بیرونی مهد را پر از نقاشی و رنگ و گل و حیوان نمی‌کنید، می‌گفت دیوار بیرونی متعلق به همه شهر است، نباید چشم سایر آدم‌هایی را که از این خیابان می‌گذرند، آزار دهیم.
دربزرگم با اینکه در دو دهه پایانی عمر موی چندان‌ی به سر مبارکش نداشت اما هر بار که برای رفتن به مغازه کفاشی‌اش از خانه خارج می‌شد، با شانه کوچک و ظرفی که داشت، چند تار باقی‌مانده را به‌دقت شانه می‌کرد تا مبادا نامرتب مقابل مشتریان مغازه ظاهر شود.
این حکایت‌ها را از گفت‌تا ب حکایت تازه‌تری برسم. چند روز قبل برای یک برنامه تلویزیونی به ساختمان صدواسیما رفتم. در چند ساعتی که آنجا بودم، از دیدن حجم آدم‌های نامرتبی که در حال کار و عبور و مرور بودند، شگفت‌زده شدم. قطعا منظور همه کسانی نیست که در آنجا مشغول فعالیت بودند اما حتما قصد می‌است که بگویم در جایی که بخشی از فعالیت‌ها جنبه هنری دارد و یکی از مراکز مهم جامعه به حساب می‌آید، انتظار این است که با افرادی با ظاهر پیراسته و مرتب‌تر برخورد کنی. البته نظیر این صحنه را متأسفانه در این سال‌ها در بسیاری از سازمان‌ها و ادارات دیدم (و دیده‌اید). نمونه دم‌دست‌ترشان وزارت ارشاد که سالی چند بار به دلایل مختلف گدارم به آنجا می‌افتد و هر بار از دیدن ظاهر نامرتب و ناهموگون برخی از کارمندان مکانی که حداقل پسوند فرهنگ را هم

همراهش دارد، متعجب می‌شوم.

فکر نمی‌کنم که خوانندگان این نوشته تصور کنند منظور من توجه وسواس‌گونه به ظاهر و ارجحیت لباس زیبا به آدمیت باشد (که از نظر من کسانی هم که برای رفتن تا دم بقالی در حد میهمانی شبانه خودشان را آرایش و پیرایش می‌کنند، دچار نوعی افراط و دیگرآزاری هستند) اما داشتن یک ظاهر مرتب و تمیز و متناسب، هم احترام و ارزش‌گذاری به خودمان است، هم به جایگاهمان و هم به دیگر آدم‌ها. دلم می‌خواهد این را بگویم که حتی اگر اهل گفت‌مان زیبایی‌شناختی یا وظایف شهروندی نیستید، حداقل پیرو همان دینی باشید که پیامبرش موقع خروج از خانه به خود عطر می‌زد. باقی بخرم شما.

یادبود

چه کسی پاسخ گوست؟



مهرمون مجاهدت‌ها و رشادت‌های او و هم‌نسلانش است، بر پیکر پوران خانم نماز بخوانند؛ اما دست‌های پنهان در اقدامی بهت‌آور در لحظات آخر درهای «حسینیّه شریعتی» در خیابان شریعتی را به روی تشییع‌کنندگان بستند و جمعیت در مقابل درهای بسته نماز میت بر پیکر او خواندند.
هنوز کسی جز مدیران فعلی حسینیّه که پس از مرحوم میناجی مسئولیت اداره آنجا را بر عهده گرفته‌اند، هیچ نهاد و سازمان مسئولی، مسئولیت این اقدام عجیب را بر عهده نگرفته است؛ اما علی‌القاعده

روایت

آیا «روما» ارزش محبت را به آمریکای ترامپ می‌آموزد؟

پسر نوجوان سرایدار وضع شد. از همان اول که اجرا شد، حساسیت بسیار برانگیخت و چندین نفر از ساکنان (از جمله من و همسرم) به این ممنوعیت اعتراض کردیم.

اینکه ناناها زیر آن آفتاب داغ می‌چرخیدند و بچه‌ها آب به سر هم می‌پاشیدند و فریاد می‌کشیدند غیرمنصفانه به نظر می‌آمد. پدر و مادرها به این زنان اعتماد می‌کنند و زندگی فرزندان خود را به آنها می‌سپرن، اما اجازه نمی‌دهند که آنها از استخر استفاده کنند که این نه‌فقط بی‌رحمانه که نشانه چیزی شوم‌تر به نظر می‌آید. آنچه به این تبعیض آشکار دامن می‌زد، تعصب نژادی و طبقاتی است که در سرتاسر آمریکای لاتین رواج دارد، حتی در میان کسانی که به نظر می‌رسد دیدگاهی لیبرال دارند. در نظر کسانی که به داستان به دهانشان می‌رسد، فقرا اجازه دارند کارهای کثیف را انجام دهند تا زمانی که تن کثیف آنها به تن کارفرمایان ممتازشان بر نخورد و آلوده‌اش نکند و به قول آمریکایی‌ها «وارد حیاط خلوت من نشوند». فیلم «روما» تا حدی بر مبنای خاطرات سال‌های گذشته کوارون در مناطق شهری مکزیک است، یک نفر شیلیایی آن را حمله‌ای در ربابکاری و کوری طبقات ممتاز امروزی در این کشور و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه، از جمله ایالات متحده خواهد دانست. این فیلم همه کلتو‌هایی را به یادمان می‌آورد که رؤیای رسیدن به ایالات متحده را دارند و فرار از خشونت و استمارتی که کوارون با ظرافت مطرح می‌کند در پس‌زمینه، می‌توان بحران‌های شهر و فجایع روستا را حس کرد که به نابرابری‌ها در مکزیک و به فرار و مهاجرت گسترده مردم دامن می‌زند. وقتی آنها موفق می‌شوند خود را به مرز ایالات متحده برسانند، میلیون‌ها نفر نظیر کلتو – که در شیلی دیده نمی‌شوند و نادیده گرفته می‌شوند- آن کشور را امن، ثروتمند و سالم می‌سازند، رفت‌وروب و آشپزی و از بیماران و افراد مسن و مخصوصا کودکان مراقبت می‌کنند. آنها این کار را با عشق انجام می‌دهند؛ چه کلمه دیگری برای توصیف وجود دارد؟ واژه «عشق» در زبان اسپانیایی، البته همان «امور» (amor) است. این نکته مهم به نظر می‌رسد و شاید حتی عمدی باشد که اگر کلمه «روما» را برعکس بخوانید به واژه «امور» می‌رسید: عشقی که امروزه متأسفانه روی سیاره بی‌رحم ما وجود ندارد. فیلم «روما» و واژه «امور» که در این عنوان هم آشکار است و هم پنهان، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است کلتو در مقام شخصیت فیلم به راحتی از مرز ایالات متحده بگذرد و در سراسر آن کشور روی پرده سینما ظاهر شود، درحالی‌که خواهران او در زندگی واقعی با اذیت و تهدید و توهین روبه‌رو می‌شوند. بله، خانم آپاریچوی بازبرگ که به این شکل زیبا و تأثیرگذار آن زن خمتکار را تصویر می‌کند، نامزد و مدعی جایزه‌های بزرگ است، اما برای هیچ‌یک از زنانی که با چنین فداکاری‌ای مراقب فرزندان دیگران هستند، فرش قرمز ی پهن نشده است. کلتو‌ها؛ چه در شیلی، چه مکزیک و چه ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر، فقط می‌خواهند که با معیارهای «امور» که هر روز از آنها دریافت می‌کنیم، با آنها برخورد شود و شاید در سکوت خود امیدوارند که ما نیز روزی از آنها در استخر وجود خودمان به‌گرمی استقبال کنیم.

● **آز دور فرمان استاد ادبیات دانشگاه دوک است و نویسنده نمایش‌نامه «مرگ و دختر جوان» و رمان «دایه و کوه یخ»**، «منبع: گاردین

انتفاق

نشر کارنامه تهیه کرده است و تمامی درآمد حاصل از اکران این فیلم صرف ساخت مستندی دیگر از بزرگان ادبیات ایران خواهد شد. هم‌زمان با آغاز اکران این فیلم، در مراسمی در شهر کتاب مرکزی کتاب «یک گفتگو» از نشر کارنامه که گفت‌وگوی ناصر حریری با نجف دریابندری است، رونمایی می‌شود.

رضایی، مزده دقیقی، محمدعلی موحد و بهرام دبیری از جمله کسانی هستند که در این مستند حضور دارند. شمیم مستقیمی، کارگردان فیلم، به شیوه‌ای غیر مالوف زندگی پیرمرد ترجمه را روایت می‌کند. این مصاحبه‌ها بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ ضبط شده‌اند. این فیلم را زنده‌یاد محمد زهرایی در